

رفیق رضا حسین خانی



رفیق رضا حسین خانی سال 1337 در اراک و در یک خانواده زحمت کش و پر جمعیت متولد شد. دوران تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در اراک گذرانید و در رشته فیزیک " مدرسه عالی علوم اراک" تحصیلاتش را ادامه داد.

او مبارزات سیاسی خود را قبل از انقلاب در دانشگاه آغاز کرد و در مبارزات توده ای سال های 56-57 علیه رژیم شاهنشاهی، شرکت فعال داشت. رفیق رضا از ابتدای موجودیت " راه کارگر" بدان پیوست و با شور و انرژی فوق العاده ای، به تبلیغ و ترویج خط سرخ این تشکیلات همت گماشت. او در کار گروهی و جمعی مجرب بود، به این خاطر توانائی هر کسی را در نظر می گرفت و سعی داشت آنان را هر چه بیشتر در خدمت انقلاب و سازمان محبوبش فعال نماید، در این جهت بود که از هیچ کوششی در ارتقاء رفقایش فروگذار نمی کرد. با آن که جثه ریز و نحیفی داشت، هرگز احساس خستگی نمی کرد، حس مسئولیت در او قوی بود و هر کاری را به نحو احسن و با جدیت انجام می داد.

رفیق رضا در مقاومت قهرمانانه دانشجویان به هنگام انقلاب سیاه فرهنگی شرکت فعال داشت و می کوشید که مردم را با اهداف شوم رژیم اسلامی در بستن دانشگاه ها آشنا کند و آنان را به مقابله با رژیم فقها و دفاع از دانشجویان، که دفاع از دمکراسی بود، بکشانند.

در آبان ماه سال 60، پاسداران مزدور خمینی صبح زود به صورت غافل گیرانه ای به خانه اش هجوم می برند و پس از دو ساعت تفتیش و جستجوی خانه، مقداری کتاب و نشریه به دست می آورند. فرمانده پاسداران مزدور با مرکز سپاه تلفنی تماس گرفته و با خوش حالی می گوید: « مدارک لازم را به دست آورده ایم!» در همین موقع رفیق رضا از یک فرصت مناسب استفاده کرده وارد زیر زمین می شود و از آنجا به حیاط رفته و از چنگ آدم گُشان ولایت فقیه می گریزد و از اراک خارج شده و

به تهران می رود. بعد از مدتی رفیق رضا به خاطر مطلع کردن خانواده اش و رفع نگرانی و تشویش آنها، با پدرش در تهران ملاقات می کند. از آنجائی که پدر رفیق توسط پاسداران جنایت کار، تحت تعقیب بود، و خودش نمی دانست . در همین هنگام رفیق رضا دستگیر شده و پس از 15 روز شکنجه های وحشیانه آدم کشان ولایت فقیه، سرافراز و با قامتی افراشته و متعهد به حفظ اسرار سازمان و انقلاب و وفاداری به آرمان سرخ طبقه کارگر، به شهادت می رسد. یادش گرامی باد!